

راهبردهای جامعه شناختی آموزش زبان و راهکارهای لازم برای توسعه آن

چکیده

زبان به عنوان یکی از مهمترین ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه بشری نقش بارزی در اشاعه فرهنگ معنوی و تمدن مادی هر ملتی خواهد داشت. این ابزار ارتباطی از بُعد جامعه شناختی و انسان شناختی نقش بارزی در حفظ میراث اجتماعی، هویت مشترک فرهنگی از طریق آموزش خواهد داشت. آموزش زبان در حوزه مطالعات اجتماعی با تأکید بر نقش‌های متنوع زبانی چون نقش (عاطفی، ارجاعی، ترغیبی، ادبی، همدلی و فرازبانی) باید مورد اهتمام قرار گیرد، همچنین ویژگی‌های بافت اجتماعی زبان آموزان از جمله (جنسیت، سن، سطح تحصیلات، هویت محلی-منطقه‌ای، محیط جغرافیایی، جامعه‌گفتاری حاکم بر منطقه، و...)، مد نظر می‌باشد؛ علاوه بر این توانش ارتباطی با جامعه زبان آموز، نوع، روش و سطح تدریس، معیارهای ارتباطات انسانی در حوزه آموزش از نظر پژوهشگر جامعه شناس باید مورد لحاظ قرار گیرد. مدرسین زبان با شناخت از هنجارهای اجتماعی، مسائل فرهنگی، تجربی، روانشناسی، نظم اجتماعی حاکم بر ارتباط و گفتگو با جامعه زبان آموز باید بتوانند راهبردهای نهادینه نمودن زبان را در بین زبان آموز پذیران تقویت کنند. معلمین زبان نقش بارزی در توانش ارتباطی، تقویت تشریک مساعی (اصول تعاون) به صورت کنش متقابل همراه با رعایت اصول اخلاقی، شخصیتی، زیباشناختی در بین جامعه زبان آموز خواهند داشت. ارتباط مستمر و چهره به چهره همراه با شناختی از فرایندهای ذهنی از قبیل تفسیر اعمال، رفتار، قصد و پیش‌فرض‌ها و قراردادهای اجتماعی از مهمترین ویژگی‌های استراتژی‌های جامعه شناختی تدریس آموزش زبان می‌باشد، در واقع شناخت و پرورش استعدادها، انگیزه‌ها، و فرصت‌های زبانی از مهمترین راهکارهای تقویت و علاقه مندی زبان آموزان به یادگیری زبان می‌باشد. مطالعه شاخص‌های ارتباط انسانی با زبان آموزان، (تفویت فرایند خوب گوش دادن، خوب توجه کردن و...)، توجه عمیق به درک پیام‌های زبانی، آمادگی برای پذیرش پیام و موضوع جدید زبان آموزی، آزمایش مستمر یافته‌های زبان آموزی، ایجاد ارتباط و یادگیری مطالب از طریق فرایند ارتباط با موقعیت سن، جنس، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و... از مهمترین معیارهای بارز ابعاد جامعه شناختی آموزش و یادگیری زبان خواهد بود. بر اساس چنین ویژگی‌هایی از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، توصیفی همراه با تبیین و تحلیل جامعه شناختی راهبردهای آموزش زبانی را در این مقاله مورد مطالعه قرار داده ایم و با ارائه یکسری از راهکارها و پیشنهادها در زمینه بسترسازی و گسترش عمیق زبان آموزی از بُعد فرهنگی و اجتماعی مورد بیان خواهیم کرد.

کلید واژه

آموزش، ارتباطات انسانی، زبان، جامعه شناسی، فرهنگ

مقدمه

مطالعات جامعه شناسی زبان به صورت بین رشته‌ای به بررسی زبان و پیوند آن با جامعه می‌پردازد. با توجه به اینکه زبان به عنوان یکی از ضرورت‌های مهم جامعه بشری قرار دارد، این ضرورت در گروه‌های مطالعاتی آموزش زبان دانشگاهی مورد اهتمام قرار دارد، که این پدیده به عنوان عامل ارتباطی نقش بسزایی در بسترسازی فرهنگ جامعه از طریق آموزش نقش‌های متنوع زبانی خواهد داشت، با اهتمام به این مسئله بکارگیری و آموزش زبان یکی از مهمترین ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه انسانی است.

در مسئله آموزش زبان، مدرس باید با تأکید بر جنبه‌های کاربردی و تدریس بتواند نقش‌های مختلفی چون (ترغیبی، ارجاعی، فرازبانی، همدلی، ادبی و...) را با یادگیرنده‌گان در قالب پیوسته ارتباط متقابل اجتماعی بر قرار نماید، تا این طریق افراد بتوانند به فهم و یادگیری زبان بپردازند، و این امر یکی از رومز اساسی و موفقیت مدرس زبان در ارتباط با امر یادگیری است.

از بُعد جامعه شناختی، در مسأله آموزش زبان باید بر اساس بافت اجتماعی موجود در میدان تحقیق در کنار پارامترهایی چون جنسیت، سن، سطح تحصیلات، منطقه جغرافیایی، وجود گویش های بکار رفته در جامعه گفتاری و... توجه کرد. عدم توجه به چنین شاخص های اجتماعی باعث افت و کاهش سطح یادگیری دانش آموزان و ارتباط متقابل مدرس با یادگیرندگان خواهد شد. با توجه به این مسأله وجود بررسی توانش ارتباطی در حوزه تدریس زبان خارجه از فنون و مهارت های اساسی آموزش زبان خارجی می باشد، که باید مدرس زبان در این زمینه از توانایی ها و ظرفیت های بالقوه خود بهره کامل را ببرد. علاوه بر این شناخت مدرس زبان نسبت به وجود هنجارهای اجتماعی منطقه مورد تدریس، آشنایی با مسائل فرهنگی، ارائه راهکارها برای تشریک مساعی و تعاوون دانش آموزان در فرایند یادگیری از مسائل مهم آموزش زبان از بُعد جامعه شناختی است. بر این اساس می توان با ارائه پژوهش کاربردی و شناخت کامل نسبت به ویژگی های اجتماعی یادگیرندگان، برای تسریع آموزش راهبردها و راهکارهایی را ارائه داد.

طرح مساله

تدریس زبان در جامعه ایران یکی از مسائل مهم آموزشی است که به صورت دولتی و خصوصی در سطح جامعه مورد اهتمام قرار دارد، وجود تبلیغات مستمر و پیوسته فraigیری زبان خارجی در روزنامه های کثیرالانتشار، بنرهای تبلیغاتی، پوسترهاي محله ای و شهری و...، در کنار افتتاح گروه های آموزشی زبان در دانشگاه های دولتی و غیر دولتی در مقاطع مختلف تحصیلی، ایجاد فروشگاه های محصولات فرهنگی متتنوع زبان خارجی، برگزاری امتحانات سطوح مختلف زبان در سطح جامعه، و... نتوانسته ترغیب و تشویق جامعه را برای آموزش و یادگیری دقیق زبان خارجی و بین المللی آماده نماید. شاید بتوان یکی از نکات عدم تقویت در این زمینه را عدم اهتمام به راهبردها و راهکارهایی بین رشته ای در زمینه تدریس زبان دانست، بر این اساس در مقاله حاضر به مطالعه راهبردهای تدریس زبان در بین زبان آموزان از بُعد جامعه شناسی علی الخصوص جامعه شناسی زبان خواهیم پرداخت، که این راهبردها چیست؟ نقش جامعه شناسی در تدریس فraigir آموزش زبان چه می باشد؟ و چه راهکارهایی را می توان موفقیت مستمر و پیوسته تدریس زبان از بعد جامعه شناختی ارائه داد؟

ضرورت تحقیق

جامعه شناسی زبان را باید مطالعه زبان در ارتباط با جامعه دانست. دپارتمان های آموزش زبان در دانشگاه این رشته را مورد اهتمام قرار داده اند. زبان به عنوان یکی از ضرورت های مهم زندگی اجتماعی، و یکی از توانمندی های انسان اجتماعی در تعامل با دیگران به صورت گفتاری^۱، نوشتناری^۲ و جسمانی^۳ است. با توجه به این خصیصه ای اجتماعی برای آموزش زبان به زبان آموزان باید آگاهی کاملی نسبت به تنوع نقش های زبانی داشته باشیم، به نظر یاکوبسن «یکی از نکات مهم جامعه شناسی زبان که در جنبه کاربردی و تدریس مطرح است، تنوع نقش زبان مانند نقش های عاطفی^۴، ترغیبی^۵، ارجاعی^۶ یا توصیفی^۷، فرازبانی^۸، همدلی^۹ و نقش ادبی^{۱۰} می باشد.» آفاگل زاده، (۱۳۸۰: ۱۹) کاربرد این نقش ها در امر تدریس برای یک مدرس نوعی موفقیت و توانمندی مهارتی و ابزاری محسوب می شود. در واقع مدرسی که بخواهد احساس درونی خود را به زبان آموزان نشان دهد، از نقش عاطفی، و هنگامی که زبان آموزان را به ترغیب کاری تشویق نماید از ساخت ندایی و امری باید بهره ببرد، که بیانگر اهمیت نقش ترغیبی در سطح آموزش می باشد؛ همچنین هنگامی که از جملات خبری باید استفاده کند، از نقش ارجاعی بهره می برد. این نقش ها بیانگر این مسئله می باشد که از نظر زبانشناسان زبان به عنوان ضرورت اجتماعی

¹-Discourse

²-Written

³-Material

⁴-Emotive.

⁵-Conative

⁶-Referential

⁷-Descriptive

⁸-Meta linguistic

⁹-Phatic

¹⁰-Poetic

و به عنوان پدیده ای در بافت اجتماعی جامعه موضوع قابل فهم و شناختی می باشد. لباف^{۱۱} به عنوان جامعه شناس زبان معتقد است که « مطالعه زبان باید در بافت اجتماعی آن انجام گیرد و به واسطه ویژگی های اجتماعی زبان، نمی توان بدون در نظر گرفتن متغیرهای گوناگون از قبیل جنسیت، سن، سطح سواد و تحصیلات، منطقه جغرافیایی، جامعه گفتاری^{۱۲} (یک زبانه یا دو زبانه) که می خواهد زبان انگلیسی را به زبان آموzan یاد بدهد، مورد بررسی قرار می گیرد.» (یول، ۱۳۷۴: ۲۸۵) بدون شناخت از این پارامترهای اجتماعی مدرس نمی تواند در کارش موفق باشد، زیرا تمام این نقش ها بر خواسته از کنش های ارتباطی است که مدرس با زبان آموzan برقرار خواهد کرد، به عبارت دیگر این کنش های متقابل بین مدرس و زبان آموز خارجی به نوعی توانش ارتباطی است که از نظر فیلمور^{۱۳} « توانش ارتباطی یک عامل ذاتی و بنیادی برای ساخت دستور زبان است، بررسی این مسئله بخش از زبانشناسی محض است، که رابطه زیادی با کار معلم تدریس زبان دارد.» (پراید، ۱۳۷۳: ۲۷)

مدرسى که می خواهد زبان انگلیسی را به زبان آموزانی بیاموزد که زبان مادری آنها فارسی، کردی، ترکی یا دیگر زبان های مرسوم و رایج در منطقه جغرافیایی است و این زبان آموزان به نوبه خود در ارتباط با همکلاسی های دیگر است که زبانی متفاوت و محیط اجتماعی گوناگونی دارند، مدرس باید از ابزاری برای ایجاد ارتباط با این همه تنوع استفاده کند؟ استفاده از این ابزار بهره گیری از توانش ارتباطی^{۱۴} است؛ توانش ارتباطی ضرورتاً باید در ارتباط با جوامع گفتاری خاصی باشد که مدرس و زبان آموز به آن تعلق دارند. در روند این ارتباط یک مدرس آگاه همیشه در پی آن نیست که در کلیه کلاس ها و تمام دروس از یک روش تدریس ثابت بهره ببرد، به دلیل اینکه تمام دروس و حتی موضوع هر یک از این دورس با هم متفاوت است، بنابراین هر درسی و هر موضوع درسی به تناسب موقعیت محتوایی و مطلبی برای ایجاد ارتباط و یادگیری نیازمند یک روش خاص تدریس است، که این امر بیانگر تقویت توانش ارتباطی مدرس را در بر می گیرد و به نوعی بافت اجتماعی زبان و تنوع نقشی را که مدرس باید در امر تدریس به همراه داشته باشد، با خود به همراه دارد.

در کنار این مسئله پارامترهای جنسیت، سن، آموش های جمعی و فردی، هویت قومی، صبغة فرهنگی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، توانمندی های علمی، محیط اجتماعی، امکانات زبان آموزی، ارزش ها و هنجارهای مرسوم در محیط و... همگی تعیین کننده روش تدریس و سطح آن برای تدریس است. حتی در یک کلاس که از زبان آموزان تقریباً یکسان برخوردار است، و سابقه آموشی و کیفیت سطح زندگی مشابهی دارند، مدرس باید عوامل مؤثر در ارتباط متقابل را با زبان آموزان در نظر گیرد. گامپرز معتقد است که « هنجارهای اجتماعی و مواردی چون مسایل فرهنگی از قبل وجود داشته و زبان آموزان در آن رشد کرده اند باید در امر ارتباط حفظ شود و فرهنگ از نظر او عبارتست اجتماعی حاکم بر ارتباط و گفتگو. در دیدگاه او مسایلی چون معنای جملات، ترتیب واژگان، (فاعل، فعل، مفعول،...) و ساخت جمله از قبل تعیین شده نیستند، بلکه بر پایه یک سلسله مسایل پیچیده مانند عوامل تجربی و روانشناسی حاکم بر گفتار استوار می باشد. معلم زبان می تواند با علم به این مسایل با زبان آموزان ارتباط برقرار نماید.» (نوربخش، ۱۳۸۲: ۱۰۳)

مدرس زبان با علم به اینکه از مسایل زبان آموزان آگاهی دارد، می تواند با آن ها ارتباط برقرار کند، و مطالبی درسی را که برای آن ها تهیه می کند، باید در قالب بافت اجتماعی و در ارتباط با نیازهای روزمره آن ها باشد، همچنین این مطالب باید در راستای تقویت استعدادها و بروز خلاقیت های مهارتی زبان تهیه شود. در واقع مثال ها و توضیحاتی که برای زبان آموزان در کلاس داده می شود، باید مرتبط با نیازها و موقعیت اجتماعی، هویت فرهنگی و قومی، سن، جنس و متناسب با شرایط روحی و روانی زبان آموزان انتخاب گردد. از طریق بیان این موضوعات مطرح شده می توان تشریک مساعی، تعاون، همکاری، همیاری و مشارکت را بین مدرس و زبان آموزان ایجاد کند، بستر سازی چنین فرایندهای در کلاس های درسی تاثیر مطلوبی بر فرایندهای دیگری، درک متقابل و اموش سایر مطالب درسی خواهد گذاشت.

¹¹-Lbove

¹²-Languuage Community

¹³-Filmore

¹⁴-Communication Competence

از دیگر مواردی که در امر یادگیری زبان آموزان از اهمیت برخوردار است، بهره مندی از شاخص‌های زبر زنجیری^{۱۵} است. مدرس با رعایت مؤلفه‌های این شاخص در هنگام تدریس می‌تواند تعامل صحیحی با زبان آموزان برقرار کند. «رعایت ویژگی‌های زبر زنجیری مخصوصاً ویژگی‌های آهنگین و انسجام کلامی در موقفيت انتقال مفاهیم و برقراری ارتباط صحیح بین معلم و زبان آموزان حائز اهمیت می‌باشد در امر تدریس زبان نقش تعیین کننده ای دارد. قابل ذکر است که هرچه سن زبان آموزان کمتر باشد نقش آهنگین زبان بیشتر است.» (آقا‌گل زاده، ۱۳۸۰: ۲۰)

در مجموع در امر فرایند یادگیری به زبان آموزان درس زبان خارجی مدرس لازم است، با شناخت اجتماعی که از مسائل فرهنگی، محیطی و تعاملی منطقه تدریس خود دارد، در کنار آگاهی از موقعیت اجتماعی دانش آموزان، فرایند بسترسازی حمایت‌های اجتماعی و مشارکت پایدار زبان آموزان را ایجاد نماید.

توانش ارتباطی و آموزش زبان

در راستای تعامل اجتماعی زبان آموزان با مدرس در کلاس باید توانش ارتباطی آنان را تقویت کرد، تا بتوانند در هنگام تعامل با مدرس خود پاسخ صحیحی بدeneند، در این راستا تقویت و بهره گیری از عقل سليم در ارتباط با موضوع درسی، می‌تواند پاسخ مناسبی را برای زبان آموزان در آن موقعیت خاص ایجاد کند. نقش مدرس در سرعت بخشیدن به این توانش از اهمیت خاصی برخوردار است. در این زمینه بکارگیری راهبردهایی عملی می‌تواند بسترسازی شود تا زبان آموز بتواند در موقعیت خاص پاسخ مناسب را ارائه دهد. در این راستا مدرس ابتدا باید موقعیت و بافت مورد نظر را برای زبان آموزان تشریح کند، و راه درک مطلب را برای آنان هموار سازد؛ آنگاه با مطرح نمودن موضوعات آسان و هدایت گر به درک و ساختن جملات درست به عنوان پاسخ به زبان آموزان کمک نماید تا آن‌ها بتوانند در مدت بسیار کوتاهی به پاسخ صحیح برسند. این تقویت باعث این می‌شود که هر وقت از زبان آموز سوالی می‌شود، وی نگران تأمل و تأخیر زیاد خود و نارضایتی مدرس نمی‌شود، و احساس ترس نمی‌کند؛ به نوعی زبان آموز از حمایت‌های لازم مدرس در کلاس برای رسیدن به پاسخ و توانش ارتباطی بهره مند می‌شود. در این موقعیت معلم همراه و یاور اوست، این نوع حمایت‌ها نوعی تشریک مساعی و مشارکت پایدار زبان آموزان را در کلاس به همراه دارد؛ همچنین همیاری و همکاری متقابل را به عنوان یک اصل اجتماعی در محیط تعامل با دیگران زبان آموز در اذهان خود نهادنیه می‌کند. این راهبردها باید در چند جلسه اول برای تمام زبان آموزان بکار گرفته شود، تا به نوعی فاصله اجتماعی و صمیمی و جو قابل اعتماد و اطمینان ایجاد شود. چنین فرایندی منجر به این هم شده که زبان آموزان خجالتی، وغیر فعال هم به ابراز عقیده، تعامل مناسب و حضوری فعال در کلاس داشته باشند. عدم بسترسازی این فرایند راهبردی در کلاس باعث این می‌شود که زبان آموزان مبادا از اینکه پاسخ صحیحی ندهنند، از صحبت کردن و مشارکت فعال در کلاس صرف نظر می‌کنند، و در وضعیت غیر فعال در کلاس باقی خواهند ماند. بنابراین مدرس باید بتدریج به فرایند مشارکت فعال تمام زبان آموزان کمک نماید، تا آن‌ها به این احساس مستقل برسند که در مورد سوال مدرس از عقل سليم خود بهره گیرند و پاسخ درست را حدس بزنند. در مجموع چنین راهبرد عملی منجر به بسترسازی توانش ارتباطی در امر یادگیری خواهد شد. در کنار این راهبرد در کنار مشارکت فعال و رقابت تعاملی زبان آموزان باید از اصول زیبا شناختی، اخلاقی، تکریم و شخصیتی بهره برد، در واقع استفاده از واژه‌های خوب برای حفظ و تکمیل شخصیت در حین پاسخ و یا در حین مکالمه از عوامل موقفيت در امر ارتباط می‌باشد.

ارتباط پیوسته و آموزش زبان

از دیگر راهبردهایی که مدرس زبان در هنگام تدریس باید بهره ببرد، به خصوص هنگام مکالمه، این مسئله حائز اهمیت است، ارتباط مستمر و رو درویی است که مدرس با زبان آموزان خواهد داشت. «اگر چه کنش متقابل در جامعه شناسی زبان در مورد فرایندهای ذهنی از قبیل تفسیر اعمال و رفتار و قصد و نیت است، اما این فرایندهای

¹⁵-Supra- Segmental Features

ذهنی بر مبنای پیش فرض و قرار دادهای اجتماعی قابل یادگیری استوار است.» (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۰۲) پیشرفت در مکالمه تنها از طریق ارتباط پیوسته و متقابل به صورت رودررو امکان پذیر است. این ارتباط به مدرس فرصت می دهد که با توجه به حالات چهره و حرکات اعضاء بدن، ایماء و اشاره و یا دیگر اعمال آنچه را که در ذهن زبان آموز می گذرد، حدس بزند و در نتیجه آنان را بهتر درک کند و ارتباط مؤثری برقرار نماید.

هنگامی که مدرس زبان بتواند آنچه را در درون ذهن زبان آموز موفق در امر یادگیری می گذرد، مورد مطالعه و بررسی قرار دهد، و چگونگی موفقیت آن ها، نوع تدبیر و فرایندهای شناختی را به کار ببرد، به اطلاعاتی دست خواهد یافت که می تواند منشاء کمک مؤثری به روش تدریس او باشد. به نظر جون رابین^{۱۶} «زبان آموز موفق کسی است که سه متغیر استعداد، انگیزه و فرصت را باهم و بطور همزمان داشته باشد. یک زبان آموز با استعداد و انگیزه ولی با فرصت فراهم شود ولی انگیزه یادگیری در او نباشد، در این صورت روند یادگیری زبان به کندي انجام می گيرد. رابین آن دسته از زبان آموزانی که ضعیف هستند مشاهداتی داشته و معتقد است که در کلاس های زبان اغلب مدرسان حرف می زنند، و ظاهراً از آنچه که در درون زبان آموزان می گذرد بی اطلاع هستند. او می گوید اکثر مدرسان زبا خارجی در کلاس درس آنقدر به یافتن پاسخ های صحیح مشغول می شوند، که فرایند یادگیری را فراموش می کنند. اگر به فرایند یادگیری توجه کند احتمال دارد بتوانند مطالب درسی، پرسش و پاسخ ها و مثال های خود را با نیازهای زبان آموزان منطبق نمایند و آنها را به راهبردهایی مجهز نمایند که خود بخود زبان را فرا گیرند. زبان آن قدر متنوع و وسیع است که در واقع هیچ دوره یا کلاسی نمی تواند تمام آنچه را که درباره یک زبان نیاز داریم به ما بیاموزد و معلم باید راهکارهایی را به زبان آموزان بیاموزد که در خارج از کلاس و بدون حضور مدرس بتوانند مطالب را مطالعه و به یادگیری خود ادامه دهند.» (آقا گل زاده، ۱۳۸۰: ۲۱)

وسایل کمک آموزشی و آموزش زبان

فرایندهای شناختی هم در راهبردهای آموزشی اثر گذار است؛ این فرایندها از پیچیدگی خاصی در هنگام کار برخوردارند. با بکارگیری وسایل کمک آموزشی بسیاری از این راهبردها و فرایندها قابل شناسایی و استفاده می باشند. روش کار به این صورت است که آنچه در کلاس اتفاق می افتد، اعم از فعالیت مدرس یا زبان آموزان (البته بدون اطلاع قبلی زبان آموزان) فیلم برداری و ضبط می شود و سپس آن فیلم فقط برای همان کلاس پخش می گردد تا فعالیت های خود را در فیلم مشاهده نمایند. در حالی که زبان آموزان مشغول تماشای فعالیت های خود در فیلم هستند درباره علت هریک از فعالیت ها و رفتارها از آن ها سوال می شود. با مقایسه رفتار و فعالیت های زبان آموزان و دلایل ارائه شده می توان راهبردهای مناسبی را بیان کرد. یکسری از راهبردهای ذیل حاصل مشاهدات رابین است که از رفتار زبان آموزان موفق حاصل شده است.

«الف) زبان آموز موفق به گفتار دیگران خوب گوش می دهد. یعنی به طور پیوسته به میزان و نحوه دریافت مطلب و مطابقت عملکرد او با استانداردهای از قبل آشنا شده توجه کند. گوش دادن قسمتی از فعالیت مثبت و شرکت فعال او در فرایند یادگیری است. او سعی می کند از اشتباهات خود نیز مطلبی بیاموزد.

ب) زبان آموز موفق می داند که برای درک پیام توجه به دستور زبان یا شکل ظاهری کلمات کافی نیست. لذا توجه به معنا از اهمیت خاصی برخوردار است و به نقش مهم گفتار، رابطه بین گوینده و شنونده، رعایت قواعد صحبت کردن و لحن کلام اهمیت دارد. برخی از دانشمندان معتقدند که در یادگیری زبان اول، درک معنا مقدم بر فراغیری ساخت دستوری است. زبان آموز موفق، زیاد تمرین می کند، او تلفظ لغات و عبارات یا آرایش کلمات را بطور مستمر تکرار می نماید به دنبال ایجاد فرصت برای استفاده آن ها است. برای نمونه او در مکالمه زبان و یا پاسخ دادن به سوالات و یا حل تمرین های مورد نظر با مدرس و یا همکلاسی هایش پیشقدم می شود. چنین زبان آموزی همیشه آماده تکرار کردن الگوهای زبانی است.

ج) زبان آموز موفق حدس زننده ای علاقمند و دقیق است و آمادگی روبرو شدن با موضوعات جدید را دارد. زیرا می خواهد حدس های خود را امتحان نماید. هایمز در مبحث قوم شناسی ارتباط معتقد است که حدس زدن بر

^{۱۶}-Joan Rubin

اساس عواملی چون رابطه اجتماعی بین گوینده و شنونده، محیط، موقعیت، حالت و تمام پارامترهای اجتماعی دیگر صورت می‌گیرد.

د) زبان آموز موفق تمایل زیادی به ایجاد ارتباط و یادگرفتن مطالب در روند یک ارتباط دارد. او برای انتقال پیام فعالیت‌های زیادی از خود نشان می‌دهد. برای نمونه وقتی واژه مناسبی برای معنای خاصی در ذهن خود نمی‌یابد سعی می‌کند پیرامون آن توضیح دهد و با تعریف و توضیح و احیاناً دادن مثال مفهوم مورد نظر را انتقال دهد. مثلاً اگر در نظر دارد مطلبی را به زمان آینده انگلیسی بگوید و زمان آینده را نمی‌داند و یا با خاطر ندارد از عبارت to "استفاده می‌کند چون برای اونکته اصلی انتقال پیام است.

ه) زبان آموز موفق هیچگاه در یک محدوده متوقف نمی‌شود و شگردهای خاصی برای آزمایش یافته‌ها و حدس‌های خود دارد. اگر ارتباط منطقی برقرار شود حاضر است حتی در بعضی از ارتباط‌ها ظاهر به نادانی و یا نفهمیدن مطلب نماید. با این روش اولاً پاسخی را که در ذهن خود دارد و به دلایلی نمی‌خواهد به زبان آموز آورد، آزمایش می‌کند و ثانیاً انتظار دارد که توضیح بیشتری درباره آن زبان معلم بشود. علاوه بر تأکید بر ایجاد ارتباط زبان آموز خوب آمادگی پرداختن به ساختار زبان را نیز دارد. وی مرتبًا دنبال الگوهای موجود در زبان است. این موضوع را کارول، ساپوت و پیمسلور^{۱۷} "حساسیت دستوری و توانایی استقرایی یادگیری زبان" خوانده‌اند. « (یاکوبسن، ۱۳۸۲، ۱۵۲)

عوامل اجتماعی و آموزش زبان

الف) سن: عامل سن در امر یادگیری زبان نقش بارزی خواهد داشت. دوران کودکی نسبت به دوران نوجوانی و جوانی و حتی نسبت به دوران بزرگسالی از موقعیت بهتری برای زبان آموزی برخوردار است. یافته‌های تحقیق که توسط ویلدر پنفیلد^{۱۸} بدست آمده بیانگر این مطلب است. وی بر این نظر تأکید دارد که «مغز کودک و یا نوجوان بطور بی نظیر آماده یادگیری زبان است و مرحله‌ای تحت عنوان "سن مطلوب" را مطرح کی کند که طی آن چندین زبان را می‌توان بطور کامل با کمترین تلاش و بدون اختلال فیزیولوژیکی یادگرفت پنفیلد سن مطلوب را برای یادگیری زبان را اولین دهه زندگی می‌داند. تلاش برای یادگیری زبان‌های خارجی بعد از این دهه تنها با موفقیت نسبی همراه خواهد بود. بدین ترتیب سن به عنوان مهمترین عامل در فرایند یادگیری زبان است و می‌گوید اگر انتظار موفقیت در یادگیری زبان‌های خارجی را داریم باید این امر قبل از سن ده سالگی انجام گیرد.» (پراید، ۱۳۷۳: ۱۴۷) کلاربورستال^{۱۹} در بررسی مربوط به تأثیر متغیرهای موجود در جامعه شناسی زبان از قبیل سن، جنس و وضع اقتصادی و اجتماعی، دریافت تشویق از اعضای خانواده و بستگان و انتظارات شغلی برآموزش زبان بیشتر بر مدت زمان یادگیری تأکید می‌کند تا بر سن زبان آموز.

وی معتقد است « کسب مهارت در یک زبان خارجی عمدتاً نتیجه مدت زمانی است که صرف یادگیری و مطالعه آن می‌گردد. البته سن زبان آموز نیز می‌تواند یک عامل مؤثر باشد. سن و مدت زمانی که برای یادگیری زبان خارجی لازم است عواملی هستند که تهیه و تدوین کنندگان مطالب درسی زبان و معلمین زبان باید مدنظر قرار دهند.» (آفاگل زاده، ۱۳۸۰: ۳۲)

ب) جنس: جنسیت در امر یادگیری زبان می‌تواند به عنوان یک متغیر قابل بررسی مورد ارزیابی قرار گیرد. تفاوت جنسی عامل مهمی در فرآگیری زبان خارجی است. به نظر بورستال در تمام پژوهش‌های انجام داده به این نتیجه رسیده است که دختران به نسبت پسران در تمام آزمون‌های مربوط به موفقیت در زبان خارجی نمرات بالاتری می‌گرفتند و موفقتر می‌باشند. نیسبت^{۲۰} و لش^{۲۱} در تحقیقات ارزشیابی خود در تدریس زبان فرانسه در مدرسه آبردین به همین نتیجه رسیدند، «عامل موفقیت دختران را در تفاوت نگرش و طرز تفکر آن‌ها نسبت به یادگیری

¹⁷ - Wider Penfiled

¹⁸ - Clar Burstall

¹⁹ - Nisbet

²⁰ - Welsh

زبان خارجی تا حدی نتیجه و انتظار استخدامی (انگیزه شغلی) بین پسران و دختران و رابطه دانش زبان خارجی با شغل بر شمردند.» (همان: ۲۲)

پ) عامل اقتصادی- اجتماعی: یکی دیگر از عوامل جامعه شناسی زبان که در زبان آموزی نقش دارد، وضعیت اقتصادی- اجتماعی زبان آموزان است. شغل، سطح درآمد، امکانات، بعد جمعیت، تحصیلات والدین، و سرمایه انسانی و... از عوامل اجتماعی و اقتصادی در فرایند یادگیری زبان خارجی است. فعالیت های مثبت، مشارکت فعال در کلاس در کنار کسب نمرات بالای امتحانی در درس زبان خارجی می تواند همگی بیانگر این باشد که عوامل اجتماعی و اقتصادی افراد نقش در موفقیت یادگیری درس زبان خارجی دارد.

نتیجه گیری

یادگیری زبان با سایر رشته های علوم انسانی از جمله فرهنگ، جامعه شناسی، روانشناسی، سیاست، ادبیات و... پیوند داشته است. حوزه مطالعات اجتماعی بویژه مطالعات جامعه شناسی زبان با این فرایند، پیوند عمیقی دارد، به این دلیل که، زبان به عنوان یکی از ضرورت های مهم زندگی اجتماعی و فرهنگی انسان در جهت تعامل و شناخت دیگران امری لازم و ملزم به حساب می آید؛ بنابراین آموزش زبان از مهمترین ابزارهای اجتماعی و فرهنگی بشر در راستای اشاعه صبغه فرهنگی و هویت قومی محسوب می شود، همچنین این فرایند در راستای شناخت فرهنگی سایر اقوام و ملل هم می تواند نقش بارزی در تکامل جوامع به صورت متقابل و موازن داشته باشد.

مدرسین زبان با تأکید بر نقش های متنوعی که در زمینه آموزش زبانی باید بکار گیرند، بتوانند با زبان آموزان ارتباط برقرار کرده و آنان را در امر یادگیری فعال و تشویق نمایند. همچنین بهره مندی از ظرفیت های بالقوه و بالفعل به نام توانش ارتباطی در حوزه آموزش زبان خارجی و یادگیری آن امری لازم به نظر می رسد.

مدرسین زبان با بهره گیری از بافت اجتماعی، صبغه فرهنگی و قومی، آشنایی با زبان ها و گویش های رایج در منطقه جغرافیایی، شناخت کافی از شرایط فرهنگی منطقه، باید بتوانند با زبان آموزان ارتباط متقابل و مستمری در راستای امر یادگیری ایجاد نمایند.

مدرسان باید از طریق راه های مختلف ترغیب و تشویق در بین زبان آموزان و خانواده های آنها، زبان خارجی را در اذهان زبان آموزان نهاده نمایند. بهره مندی از ظرفیت های ارتباطات انسانی، چون راهکارهای خوب گوش کردن، خوب توجه کردن، خوب شنیدن، خوب بیان کردن و... در زبان آموزان باید از سوی مدرس تقویت و استمرار گردد؛ و از زبان گفتاری، نوشтарی، و جسمانی در امر تدریس بهره های زیادی برده شود.

بسترسازی از طریق راهکارهای رقابتی، تعاملی، تشویقی، ترغیبی، تشریک مساعی، تعاؤن، همکاری، همکاری و مشارکت فعال در کلاس و خارج از حوزه کلاس از دیگر رومز موفقیت امیریادگیری است، که مدرس زبان باید این شرایط را فراهم نماید. همچنین آشنایی به روز شده با روش های تدریس زبان خارجی، تسلط کافی بر ساخت دستوى، ویژگی های زبر زنجیری، دانش کافی نسبت به موضوع تدریس، ایجاد فاصله اجتماعی و صمیمی بین مدرس و زبان آموزان، حفظ نظم، انسجام، عدالت و... در کلاس هم از دیگر پارامترهای اجتماعی و بارز موفقیت مدرس در امر آموزش زبان می باشد. بر این اساس می توان در جامعه ایران یکسری از تدابیر را جهت آموزش کاربردی و عملی موفق زبان به صورت اجتماعی و فرهنگی بیان کرد، تا بتوانیم آموزش و یادگیری زبان خارجی را در کنار زبان فارسی در اذهان جامعه به دلیل پیوستن به جامعه جهانی و اشاعه فرهنگ ملی و اسلامی خود به نحو احسن بکار ببریم، بر این اساس در سطور ذیل به برخی از این راهکارها اشاره می نمائیم.

راهکارها و پیشنهادها

- تأکید برآموزش مطالعات و پژوهش های اجتماعی، فرهنگی، روانشناسی در گروه های آموزشی زبان دانشگاه.
- سوق دادن مدرسین و دانشجویان به سمت مطالعات و پژوهش های کاربردی و عملی یادگیری زبان به زبان آموزان.
- برگزاری دوره های مهارت ارتباطی برای مدرسین.

- ۴- برپایی دوره های آموزشی مدرسین با محوریت شناخت از بافت، روانی، فرهنگی، قومی و صبغه اجتماعی و اقتصادی زبان آموزان در حوزه جغرافیایی.
- ۵- تقویت و شکوفایی توانش زبانی، استعدادها و ظرفیت های بالقوه و بالفعل مدرسین در حوزه آموزش و یادداهن زبان خارجی.
- ۶- حمایت و تشویق مستمر از خلاقیت و استعدادهای زبان آموزان.
- ۷- برگزاری دوره های کوتاه مدت و مستمر برای مدرسین در راستای شناخت راهکارهای مشارکت زبان آموزان در امر فرایند یادگیری زبان خارجی.
- ۸- آموزش مستمر و مداوم مدرسان زبان های خارجی در حوزه مهارت های ارتباطات متقابل انسانی و جمعی.
- ۹- بهره مندی از مدرسان متبحر و با تجربه ای که آشنایی کامل با گویش ها، و زبان های مرسوم در منطقه دارند.
- ۱۰- شناخت مدرسان زبان آموز با ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، عرفی، هنجاری و... منطقه تدریس زبان آموزان.
- ۱۱- دانش کافی مدرسان زبان آموز از روش های کاربردی و عملی تدریس زبان خارجی.
- ۱۲- آشنایی مدرس با نیازهای متنوع زبان آموزان جهت تسهیل و تسريع در امر یادگیری.
- ۱۳- ایجاد شرایط اجتماعی، فرهنگی مناسب و تفاهم آمیز بین مدرس و زبان آموزان.
- ۱۴- بسترسازی مناسب فاصله اجتماعی و صمیمی یکسان بین مدرس و کلیه زبان آموزان در راستای مشارکت فعال و پایدار در امر یادگیری.
- ۱۵- استفاده از راهکارهای تشویقی و ترغیبی متنوع و مناسب در امر یادگیری بین مدرس و زبان آموز.
- ۱۶- بسترسازی مناسب برای ایجاد انگیزه، رقابت، تعامل بین زبان آموزان در راستای امر یادگیری زبان خارجی.
- ۱۷- ارتباط متقابل با خانواده های زبان آموزان جهت مشاوره، تشویق، ترغیب در زمینه یادگیری زبان در فرزندان شان.
- ۱۸- برقرار ارتباط با خانواده های جهت رفع مشکلات زبان آموزان در امر یادگیری زبان خارجی.
- ۱۹- بسترسازی دولت، سازمان ها و نهادهای آموزشی در کشور به ایجاد راهکارهای مناسب آموزش زبان خارجی در کنار زبان فارسی.
- ۲۰- بهره مندی و بکارگیری از تدبیر خاص رسانه ای و مصوباتی جهت آموزش زبان خارجی در سطح جامعه برای تمام اقسام.
- ۲۱- بهره گیری از تکنولوژی های آموزش مدرن، امکانات و وسائل کمک آموزشی مناسب و جذاب در راستای امر تدریس و یادگیری زبان خارجی.
- ۲۲- ارزشیابی های، شناختی، رفتاری و علمی مدرسان در امر آموزش زبان و حتی در امر یادگیری به زبان آموزان زبان خارجی.
- ۲۳- بهره مندی و حمایت از پژوهش های کاربردی و تطبیقی در حوزه امر یادگیری به زبان آموزان زبان خارجی.
- ۲۴- بسترسازی مناسب برای ارتقاء سطح دانش والدین در راستای امر آموزش و یادگیری زبان خارجی به زبان آموزان.
- ۲۵- تقویت و بهره مندی از زیباشناختی گفتاری با زبان آموزان در هنگام تعامل و برقراری ارتباط متقابل در امر یادگیری.

محمد حسن شریتیان

هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، عضو پیوسته انجمن جامعه شناسی و انسان شناسی ایران
منابع

- آقا گل زاده، فردوس، ۱۳۸۰. نقش جامعه شناسی زبان و راهبردهای آن در تدریس زبان. مجله رشد زبان، تهران، صن ۲۳-۱۹. قبل دسترس در سایت www.noormages.com.
- پراید، ج.ب. ۱۳۷۳. جامعه شناسی یادگیری و تدریس زبان. ترجمه سید اکبر میرحسینی. چاپ اول، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- مدرسی، یحیی، ۱۳۷۸. درآمدی بر جامعه شناسی زبان. چاپ دوم، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- نوربخش، ماندان، ۱۳۸۲. زبانشناسی اجتماعی- فرهنگی و آموزش. فصلنامه فرهنگ مردم، سال پنجم، شماره ۲۱-۲۲. صن ۱۰۱-۱۰۵. قبل دسترس در سایت www.noormages.com.
- باکویسن، رومن، ۱۳۷۶. روندهای بنیادین در دانش زبان. ترجمه کورش صفوی، چاپ اول، انتشارات هرمس، تهران.
- یول، جرج، ۱۳۷۴. نگاهی به زبان (یک بررسی زبانشناسی) ترجمه نسرین حیدری، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.